

## واکاوی تواتر اجمالی و گستره دلالت آن

سید ابوالقاسم حسینی زیدی<sup>۱</sup>

محمدابراهیم روشن ضمیر<sup>۲</sup>

DOI: 10.22051/tqh.2017.12958.1432

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۱۶

پذیرش: ۱۳۹۶/۰۲/۱۱

### چکیده:

از آنجا که تواتر روایات یکی از راه‌های اطمینان به صدور آن‌هاست، عالمان دانش درایه، پژوهش‌های دراز دامنی درباره آن انجام داده‌اند اما درباره یکی از گونه‌های نوپیدای آن با عنوان «تواتر اجمالی» تعریف جامع و مانعی ارائه نشده است. از عبارات آنان، سه تعریف برای تواتر اجمالی قابل استفاده است: الف) روایات متعددی که نه در مدلول مطابقی بلکه در مدلول تضمینی یا التزامی با هم مطابقت دارند. ب) علم اجمالی به صدور برخی از روایاتی که دارای مضمون واحد نیستند. ج) روایات زیادی که در لفظ و معنی با هم اختلاف دارند و دلالت آن‌ها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این روایات از معصوم صادر شده است و آن روایت اخص است. برخی از ایرادهای این تعریف‌ها عبارتند از: الف) روشن نبودن وجه تمایز آن با تواتر معنوی؛ ب) تردید در حصول علم به صدور یک روایت نامعین؛ ج) بی‌اثر بودن علم اجمالی به صدور یک روایت نامعین؛ د) بی‌فائده بودن تواتر اجمالی با توجه به اثبات قدر متیقن به دلایل دیگری مانند سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوف به قرائن و... افزون بر این، بنابر دیدگاه آخوند خراسانی درباره تواتر اجمالی که مقتضای آن را اعتبار روایتی می‌داند که از باقی احادیث در مضمون اخص باشد؛ اگر خبری با این ویژگی وجود داشته باشد که مضمون آن اعتبار خبر ثقه به طور مطلق است، حجیت قول ثقه، ثابت می‌گردد؛ اما وجود

۱. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (دکترای مدرسی معارف اسلامی) [Abolghasem.6558@yahoo.com](mailto:Abolghasem.6558@yahoo.com)

۲. استادیار دانشگاه علوم اسلامی رضوی مشهد مقدس (دکترای علوم قرآنی و حدیث) [roushan1344@yahoo.com](mailto:roushan1344@yahoo.com)

چنین خبری تنها صرف فرض است.

**کلید واژگان:** تواتر؛ تواتر اجمالی؛ قدر متیقن؛ قدر مشترک؛ اعتبار روایت

## مقدمه

سنت در کنار قرآن و پس از آن، مهم‌ترین سرچشمه شناخت دین، کارآمدترین ابزار تبیین آن و شامل‌ترین منبع دریافت آموزه‌های اسلامی است. هر چند نشانه‌هایی از تردید در حجیت سنت یا انکار آن در طول تاریخ اسلام به طور پراکنده دیده می‌شود؛ اما بیشتر نزدیک به تمام مسلمانان در حجیت آن تردیدی نداشته و ندارند و جالب این که همه نویسندگان و فرقه‌های اسلامی تلاش می‌کنند اصل حجیت سنت پیامبر (ص) را نزد مسلمانان مسلم انگاشته و تنها برخی از فرقه‌ها - به پندار آنان به ظاهر مسلمان و در واقع کافر - را به باور نداشتن به حجیت سنت متهم نمایند. (ر.ک: ابوزهو، ۱۳۷۸، ص ۲۰؛ فوزی عبدالمطلب، ۱۴۰۰، مقدمه، ص ۴؛ عجاج خطیب، ۱۴۰۸، ص ۲) اما بدون تردید، درباره درستی روایاتی که سنت را برای ما گزارش می‌کنند بحث‌های فراوانی میان حدیث‌پژوهان فریقین در سه محور اعتبار، صدور و فهم آن‌ها در جریان بوده و هست.

روشن است که قبل از هر چیز، باید به اثبات صدور این روایات از معصوم پرداخت و آن‌گاه از سایر جنبه‌های حدیث هم چون اعتبار و تفسیر سخن گفت؛ لذا چگونگی اثبات صدور روایات از معصومان مهم‌ترین چالش پیش روی حدیث‌پژوهان است.

در میان پژوهشگران مسلمان تردیدی نیست که عده‌ای در ساختن، پرداختن و پراکندن حدیث، به انگیزه‌های گوناگون، کوشیده‌اند. بر پایه حدیثی از امام علی (ع)، وضع و جعل در عهد پیامبر آغاز شد؛ (نهج البلاغه، خطبه ۲۱۰؛ کلینی، ۱۳۶۷، ج ۱، ص ۶۲) طبق حدیث مذکور، در زمان پیامبر، به آن حضرت روایات دروغین نسبت می‌دادند، تا آن‌جا که پیامبر به خطابه ایستاد و به مردم هشدار داد که نسبت‌دهندگان دروغ به او بسیار شده‌اند و بدانند که جایگاهشان دوزخ خواهد بود. سپس امیر مؤمنان (ع) افزود که این رفتار ناشایست، پس از آن حضرت نیز گسترش یافت. عالمان اهل سنت این نقل را با طرق بسیار گزارش کرده و حتی بر تواتر آن تأکید کرده‌اند و نشان داده‌اند که این نقل بارهای بار بوده است. (ر.ک: مهدوی راد، ج ۱۲، ص ۷۵۶-۷۷۳)

امامان (ع) در روایات متعددی نسبت به جریان جعل و وضع هشدار داده و با شیوه‌های گوناگون کوشیده‌اند تا امت اسلامی را در این جهت بیاگاهانند. امام صادق (ع) نسبت به فراوانی دروغ بستن بر حضرت علی (ع) هشدار می‌دهد (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۲۱۹) و از کسانی هم چون مغیره بن سعید و ابوالخطاب که بر امام باقر (ع) دروغ می‌بسته‌اند (کشی، ص ۲۲۶؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۸) و این که او چگونه روایات جعلی را با تزویر و حيله در کتاب‌های اصحاب وارد می‌کرده است، یاد می‌کند! (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۷۵، ص ۲۹۰) امام رضا (ع) از فردی به نام بنان نام می‌برد که بر امام سجاد (ع) دروغ می‌بسته است (کشی، ص ۳۰۲) و در روایتی دیگر، شیوه مخالفان در جعل روایات و اهداف آنان را بر ملا می‌کند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲۶، ص ۲۳۶) همین گونه، امام باقر (ع) نسبت به توطئه‌های دشمنان در نسبت دادن برخی کارهای مبالغه آمیز به اهل بیت (ع) دست به افشاگری می‌زند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۱۸)

عالمان حدیث پژوه مکتب اهل بیت (ع) برای اطمینان از صدور روایات و بازشناسی روایات استوار و درست از روایات بر ساخته، به گسترش دانش درایه و رجال روی آوردند و با دقت و وسواس سند روایات را مورد مطالعه و بررسی قرار می دادند هر چند آنان با پیروی از آموزه های مکتب اهل بیت (ع)، به بررسی سندی بسنده نکرده و به تبیین معیارهایی برای بازشناسی سره از ناسره پرداختند. (مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۲، ص ۲۵۰)

از آن جا که تواتر روایات یکی از راه های اطمینان به صدور آنهاست عالمان دانش درایه و محدثان، بحث های دراز دامنی درباره تعریف تواتر، گونه ها، شرایط تحقق آن و نتایج و پیامدهای آن انجام داده اند. اما به رغم این مباحث گسترده، اصطلاح جدیدی با عنوان «تواتر اجمالی» در میان متأخران از اصولیان و به تبع آنان در میان درایه نگاران رواج پیدا کرده است که کم تر درباره آن سخن گفته شده است و با وجود برخی مطالب، همچنان دچار ابهام و اجمال است که همین امر موجب بدفهمی و کاربرد نابجای آن را فراهم کرده است به گونه ای که در سال های اخیر، برخی نویسندگان مقاله ها و پایان نامه ها، هر گاه با دسته ای از روایات، بویژه روایات اعتقادی و اخلاقی روبرو می شوند که نه دارای شرایط تواتر لفظی و معنوی هستند و نه با قرائن اطمینان آور همراه هستند و حتی از شرایط حجیت خبر واحد هم برخوردار نیستند، ادعای تواتر اجمالی آنها را مطرح می کنند. از شیوه استدلال آنان چنین بر می آید گویا همین قدر که در باره دسته ای از روایات بگوییم بعید است یکی از آنها از معصوم صادر نشده باشد برای اثبات تواتر اجمالی همه آن روایات کفایت می کند! بنابراین شایسته است این اصطلاح به طور دقیق تعریف شده شرایط تحقق آن و پیامدهای آن برنمایانده شود تا روشن شود آنچه امروزه به نام تواتر اجمالی شناخته می شود چه تفاوتی با سایر گونه های تواتر دارد و از چه جایگاهی برخوردار است.

## ۱. متواتر در لغت و اصطلاح

ریشه این واژه از «وتر»، به معنای تنها و یگانه است (ابن قتیبه، ۱۴۰۸، ج ۲، ص ۳۲۱) و در معنای نقص<sup>۱</sup> هم به کار رفته است. (طریحی، ۱۴۰۸، ج ۴، ص ۴۶۲) تواتر، در لغت، به معنای به دنبال هم آمدن چند چیز (جوهری، ۱۴۰۷، ج ۲، ص ۸۴۳) راغب اصفهانی، ۱۴۰۴، ص ۵۱۱) و پی یکدیگر با مهلت و فاصله آمدن می باشد. (ابن منظور، ۱۴۰۵، ج ۵، ص ۲۷۵) ابن فارس، ۱۴۰۴، ج ۶، ص ۸۴) چنان که در قرآن به همین معنا به کار رفته است (ر.ک: زهیر، بی تا، ج ۳، ص ۱۰۲): «ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا» (مؤمنون، ۴۴)

در علم درایه الحدیث<sup>۲</sup>، قبل از ذکر نمودن تقسیمات متنوع در مورد احادیث، روایت را - به لحاظ شمار راویان در هر طبقه - به متواتر و آحاد تقسیم می نمایند. (ر.ک: صدر، بی تا، ج ۱، ص ۹۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ج ۱، ص ۲۱) درباره خبر متواتر، چند تعریف بیان شده است:

۱. در آیه شریفه «وَلَنْ يُتْرَكُمْ أَعْمَالُكُمْ» (محمد، ۳۵) به همین معنا آمده است.

۲. خطیب بغدادی در الکفایة، برای نخستین بار اصطلاح متواتر را به عنوان قسیم خبر آحاد به عنوان یکی از مصطلحات علم الحدیث مطرح نمود. (خطیب بغدادی، ۱۳۹۰، ص ۳۲)

تعریف اول: «خبر گروهی که به تنهایی موجب مفید علم (قطع) به درستی آن شود». (عاملی، بی تا، ص ۱۸۳؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰، ص ۴؛ صدر، بی تا، ص ۹۷) ایراد این تعریف این است که به اصطلاح "غیر مطرّد" است، یعنی شامل مواردی می شود که متواتر نیستند و کسی آن‌ها را متواتر نمی داند مانند این که سه نفر از حادثه‌ای خبر دهند و از گفته آنان علم به درستی آن خبر حاصل شود؛ بنا بر این تعریف، لازم می آید خبرهایی از این دست نیز متواتر باشند در حالی که بدیهی است این قسم، متواتر نیست.

تعریف دوم: «خبری که توسط افراد زیادی نقل شده که معمولاً هماهنگی و اتفاق آنان بر دروغ ممکن نیست» (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۵۹؛ قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ عجاج خطیب، ۱۴۰۹، ص ۳۰۱؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۴۶؛ عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۴؛ مدیر شانه‌چی، ۱۳۸۴، ص ۳۲) اشکال این تعریف این است که علم به نبود هماهنگی خبردهندگان بر دروغ‌گویی یا نبود علم به هماهنگی آنان، دلیل بر راستی خبر نیست زیرا دروغ‌گویی دارای انگیزه‌ها و اسباب دیگری مانند دوستی و دشمنی (حب و بغض) نیز می باشد... (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶)

تعریف سوم: (تعریف گزیده) با توجه به ایراد تعریف دوم، آیه الله سبحانی پیشنهاد می کند به تعریف پیشین، این قید افزوده شود: «با فراوانی خبردهندگان و قابل اعتماد بودن آنان یا نبود انگیزه دروغ‌گویی و یا غیر آن، اطمینان به راستی خبر احراز می شود» (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۲۶). از آنجا که شواهد فراوان تاریخی و واقعیت‌های موجود نشان از آن دارد که صرف فراوانی خبردهندگان نمی تواند باعث بوجود آمدن اطمینان لازم از درستی و راستی خبر باشد؛ افزودن این قید در تعریف تواتر ضروری است.

## ۲. شروط تواتر

شروط تواتر به دو قسم تقسیم می شود: شروط تحقق متواتر (مقدمات تواتر) و شروط حصول علم از متواتر؛ قسم اول یعنی شروط تحقق تواتر عبارتند از: ۱) فراوانی خبردهندگان به اندازه‌ای باشد که توافق آن‌ها بر دروغ امکان نداشته باشد.<sup>۱</sup> (سید مرتضی، ۱۳۷۶، ج ۲، ص ۴۸۴؛ شیخ مفید، ۱۴۱۳، ص ۴۹؛ شیخ بهایی، ۱۳۹۰، ص ۴؛ و نیز ر.ک: بروجردی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۲۵۰). ۲) تحقق تواتر در تمام طبقات (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۱۲؛ ابن صلاح شهرزوری، ۱۴۰۶، ص ۲۶۷؛ خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۳؛ مظفر، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۶۲)؛ ۳) مستند بودن خبر به حسن<sup>۲</sup>؛ ۴) مستند بودن خبر به علم؛ (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۱). بعضی از اصولیان گفته اند عادل بودنِ راویان در حدیث متواتر لازم نیست (سید مرتضی، ۱۴۰۵، ج ۳، ص ۳۱۱؛ خمینی، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۱۹؛ ر.ک:

---

۱. آیه الله سبحانی این قید را کافی نمی داند بلکه افزون بر این باید این افراد دارای انگیزه واحد و منافع مشترک نباشند. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۱) برخی پیروی نکردن همه مخبران از مذهب معین، اختلاف مخبران از نظر نسب و انتساب نداشتن همه آن‌ها به یک شهر را هم در زمره شرایط حصول تواتر آورده‌اند (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۳، ج ۱، ص ۱۳۹؛ حائری اصفهانی، ۱۴۰۴، ج ۱، ص ۲۶۸) که البته وجود این شرایط به نحوی ارشاد بر عدم ارتباط راویان حدیث با همدیگر می باشد و این احتمال که امکان دارد انگیزه مشترکی برای انتساب دروغ در آن زمینه وجود داشته باشد را ضعیف می گرداند و لذا سبب می گردد تا تواتر سریع‌تر محقق شود. (هاشمی شاهرودی، بی تا، ج ۴، ص ۳۳۳)

صدر، بی تا، ص ۱۰۱؛ قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۵۰).

شرائطی همچون اطلاع نداشتن شنونده از مضمون خبر و نداشتن اعتقاد به کذب و یا رد مضمون خبر، جزو شروط حصول

علم از تواتر شمرده شده اند. (تبریزی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۲۸۸؛ مدیر شانه چی، ۱۳۸۴؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۲)

### ۳. گونه‌های تواتر

بیشتر اصولیان و درایه نگاران پیشین، تواتر را به دو نوع لفظی و معنوی تقسیم نموده‌اند اما برخی از پسینیان، تواتر را به تفصیلی (لفظی و معنوی) و اجمالی تقسیم کرده‌اند (ر.ک: منتظری، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۴۸۷؛ سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۶) و برخی آن را دارای سه قسم لفظی، معنوی و اجمالی دانسته‌اند. این اصطلاح در کتب اصولی و حدیثی اهل سنت به کار نرفته است (ر.ک: قاسمی، ۱۴۰۷، ص ۱۵۱؛ عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۵).

#### ۳ - ۱. تواتر لفظی

خبری است که همه ناقلین، مضمون آن را به یک لفظ نقل کرده باشند. (مدیر شانه چی، ۱۳۸۴؛ ر.ک: مامقانی، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۶۲) به عبارت دیگر، در تواتر لفظی، خبرهای متعدد در مدلول مطابقی اشتراک دارند (صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۳). برخی بر این باورند که تواتر لفظی یا اصلاً وجود ندارد و یا بسیار کم است (ابن صلاح شهرزوری، ۱۴۰۶، ص ۱۶۲؛ صبحی صالح، ۱۳۹۱، ص ۱۴۸؛ شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶). در برابر، کسانی بر این پندارند که روایات متواتر لفظی زیادند<sup>۱</sup> (ابن حجر العسقلانی، ۱۴۳۲، ص ۴۱). در برابر این دو دیدگاه، نظریه اعتدالی مرحوم صدر قرار دارد که عقیده دارد گفته ابن صلاح افراط، و گفتار ابن حجر و سیوطی، تفریط است و مذهب حق آن است که اجمالاً در میان عامه و خاصه، روایاتی وجود دارد که متواتر لفظی هستند، مانند: حدیث غدیر خم و حدیث منزلت در میان خاصه، و حدیث من کذب... که در میان عامه و خاصه متواتر لفظی است. (صدر، بی تا، ص ۱۰۰)

#### ۳ - ۲. متواتر معنوی

این گونه تواتر که گاه در منابع متقدم، از آن با اصطلاح «تواتر الإشاره» یاد شده است، (پاکتچی، ۱۳۷۲، ج ۱۶، مقاله شماره ۶۱۴۲) آن است که مورد تواتر قدر مشترک چند خبر باشد و به عبارت دیگر مضمون چند حدیث یکی، ولی قالب الفاظ آن‌ها متفاوت باشد. (سبحانی، ۱۴۱۴، ص ۳۵؛ مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۷) بنابراین، تواتر لفظی و معنوی یک چیز را بیان می‌کنند اما در تواتر لفظی الفاظ یکی است و در معنوی الفاظ متعدد هستند. در بیشتر مواردی که ادعای تواتر شده است الفاظ روایت

---

۱. شهید ثانی در کتاب «الرعايه» از این ادعای ابن حجر تعجب کرده، می‌گوید: ادعای غریبی است. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶) برخی از صاحب نظران، خواسته‌اند میان این دو نظریه (سلب و ایجاب) جمع کنند؛ از جمله دکتر عتر می‌نویسد: «مقصود ابن صلاح که منکر وجود حدیث متواتر است، تواتر لفظی است و مقصود ابن حجر که مدعی وجود آن است، تواتر معنوی است» (عتر، ۱۴۱۸، ص ۴۰۷)

متفاوت می‌باشد ولی وقتی به مفاهیم تضمینی یا التزامی آن‌ها توجه شود، یک مفهوم و مدلول مشترک را بدست می‌دهد. (عاملی، بی تا، ص ۱۸۶؛ صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۱)

نمونه‌های متواتر معنوی زیاد است، مانند اخبار زیادی با کلمات متفاوت در مورد شرکت امام علی (ع) در سرایا و غزوات که مضمون همه آن‌ها بطور متواتر بر شجاعت آن حضرت دلالت می‌نماید. (ر.ک: محقق حلی، ۱۴۰۳، ص ۱۴۰) روایات مربوط به ظهور امام زمام (ع)،<sup>۱</sup> اخبار در مورد اصول شریعت (مانند وجوب نمازهای یومیه و تعداد رکعت‌های آن و اصل وجوب زکات و حج) نیز همین گونه‌اند. (شهید ثانی، ۱۴۰۸، ص ۶۶)

روایات متواتر معنوی گاهی با دلالت تضمینی و گاهی با دلالت التزامی بر یک مفهوم دلالت می‌کند. (رحمانی، ۱۳۷۶، شماره ۵، ص ۱۴۸)

### ۳ - ۳. تواتر اجمالی

برخی این اصطلاح را از نوآوری‌های آخوند خراسانی دانسته و بیان داشته‌اند اثری از آن در کتاب‌های درایه به چشم نمی‌خورد. (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۴، ص ۴۲۳؛ حلی، ۱۴۳۲، ج ۶، ص ۴۵۲) آخوند این اصطلاح را در کتاب کفایه الاصول و حاشیه فرائد الاصول به کار برده و برای اثبات حجیت خبر واحد به آن استدلال کرده، می‌نویسد: «بر استدلال به این روایات بر حجیت خبر واحد اشکال شده است که این روایات خبر واحد می‌باشند و تواتر لفظی یا معنوی ندارند زیرا اتفاق بر یک لفظ یا معنی ندارند ولی این اشکال دفع می‌شود به این که این اخبار اگرچه تواتر لفظی یا معنوی ندارند لکن تواتر اجمالی دارند لذا استدلال به این روایات، استدلال به خبر واحد نیست بلکه استدلال به خبر متواتر می‌باشد». (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۰۲؛ همان، ۱۴۱۰، ج ۲، ص ۱۴۷)

ایشان در مبحث قاعده لاضرر هم با استدلال به احادیثی که در مورد اثبات این قاعده وارد شده است می‌آورد: «از این روایات تعبیر به اخبار متواتر شده است اگرچه در یک لفظ و یک معنی اتفاق ندارند؛ ظاهراً مرادشان تواتر اجمالی می‌باشد به این معنا که به صدور برخی از آن‌ها قطع داریم و این ادعا به نظر ما نیز صحیح می‌باشد» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ص ۳۸۰)

هر چند به نظر مشهور، آخوند خراسانی برای اولین بار این اصطلاح را به کار برده و پس از ایشان، این اصطلاح به کتاب‌های درایه راه یافته است؛ اما به نظر می‌رسد شیخ انصاری به این مفهوم توجه داشته است آنگاه که درباره ادعای تواتر صاحب وسائل نسبت به روایات حجیت خبر واحد می‌گوید: «قدر متیقن از این روایات، خبر ثقه ای است که احتمال دروغ بودن آن آنقدر کم است که عقلاً به این احتمال اعتنا نمی‌کنند و توقف در آن را به خاطر این احتمال زشت می‌شمارند...» (انصاری، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۳۰۹)

۱. ر.ک: طوسی، محمد بن حسن، الغیبه؛ کورانی، علی، معجم احادیث الإمام المهدی؛ مجلسی، ۱۴۰۳، ج ۵۱ و ۵۲.

### ۳-۳-۱. تعریف تواتر اجمالی

پیش تعریف تواتر اجمالی، یادکرد این نکته ضروری است کسانی که تواتر اجمالی را قبول دارند تعریف جامع و مانعی از آن ارائه نکرده اند اما از برخی عبارات و نیز چگونگی استدلال آنان به تواتر اجمالی، تا حدودی می توان دریافت که آنان چه تلقی از تواتر اجمالی داشته اند اگرچه عبارات آنان از آشفتگی عجیبی رنج می برد.

### ۳-۳-۱-۱. هماهنگی در مدلول تضمینی و التزامی

تواتر اجمالی عبارتست از: «روایات متعددی که نه در مدلول مطابقی بلکه در مدلول تضمینی یا التزامی با هم مطابقت دارند» (المعجم الاصولی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۵) از آن جا که در همه این روایات قدر جامعی وجود دارد که این روایات از آن خبر می دهند، آن را متواتر اجمالی نامیده اند.<sup>۱</sup> (حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۹۴)

### ۳-۳-۱-۲. علم به صدور یک روایت نامعین

«علم به صدور برخی از مجموعه روایاتی که دارای مضمون واحد نیستند» (مصباح الاصول، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۳؛ المعجم الاصولی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۶؛ ایروانی ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۳۷) به این معنا که روایات بگونه ای هستند که به واسطه اثبات صدق یکی از آنها به طور نامشخص، علم اجمالی حاصل می گردد؛ و لذا یقین در تواتر اجمالی به واسطه حساب احتمالات حاصل می گردد، بر خلاف آن چه که مشهور گمان می کنند. به عنوان نمونه، اگر در میان روایات یکی از کتب حدیثی در مورد وجود صد حدیث دروغ، علم اجمالی داشته باشیم و بطور اتفاقی صد حدیث را از باب های مختلف آن کتاب جدا کنیم، این احتمال که تمام آن صد حدیث دروغ باشند، بسیار ضعیف است؛ در طرف مقابل، احتمال صحیح بودن یکی از آن روایات، خیلی زیاد است، بگونه ای که بتوان ادعای حصول اطمینان در مورد صحت یکی از این صد روایت را مطرح نمود؛ همین مطلب سبب تحقق تواتر اجمالی می گردد. (ر.ک: صدر، ۱۴۱۸، ج ۲، ص ۱۴۰)

### ۳-۳-۱-۳. اختلاف در لفظ و معنا و هماهنگی در قدر مشترک

تواتر اجمالی عبارتست از روایات زیادی که در لفظ و معنی با هم اختلاف دارند و دلالت آنها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این الفاظ از معصوم صادر شده است. (مشکینی اوردبیلی، ۱۴۱۳، ص ۱۴۲) به عبارت دیگر اگر خیرهای متعدد از نظر عموم و خصوص اختلاف داشته باشند، قدر مشترک و قدر متیقن از مجموع خیرهای «مختلف الدلالة» متواتر اجمالی می باشد؛ (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲؛ همان، ۱۴۱۰، ص ۷۰ و نیز ر.ک: بحرانی، ۱۴۲۶، ج ۱، ص ۵۸۵) مانند آن که اگر روایتی در مورد اعتبار خیر مؤمن و روایت دیگری در مورد اعتبار اخبار شخص ثقه و

۱. می توان گفت: همه کسانی که برگشت تواتر اجمالی را به تواتر معنوی می دانند همین تعریف را از تواتر اجمالی دارند. (ر.ک: مدیر شانه چی،

روایت سوّمی درباره معتبر بودن خبر عادل وارد شده باشد، از مجموع این سه حدیث، یقین به حجیت اخبار عادل حاصل می‌گردد. (خوئی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۲؛ و نیز ر.ک: حسینی فیروزآبادی، ۱۴۰۰، ج ۳، ص ۱۹۵؛ جلالی مازندرانی، ۱۴۱۴، ج ۳، ص ۲۷۳)

بنابراین، وجه تمایز تواتر اجمالی با تواتر معنوی روشن است؛ در تواتر معنوی خبرهای متعدد در دلالت تضمینی یا التزامی اشتراک دارند اما بر پایه این تعریف از تواتر اجمالی، خبرها در هیچ کدام از این دو قسم دلالت اشتراک ندارند هر چند در برخی لوازم دارای اشتراک هستند اما از آنجا که این لازم، جزو لوازم بعیده هستند به حد دلالت التزامی نمی‌رسد. به عنوان نمونه، از آنجا که خبرهای متعدد درباره دیدن هلال اول ماه در زمان‌های متفاوت، در دلالت تضمینی (دیدن هلال) اشتراک دارند و خبرهای فراوان از حضور حضرت علی (ع) در جنگ‌ها، در لازمه آن که شجاعت آن حضرت باشد با هم اشتراک دارند، متواتر معنوی هستند؛ اما در روایات متعددی که درباره خبر واحد رسیده در هیچ یک از دلالت‌های سه‌گانه اشتراک ندارند هر کدام در دلالت خود با دیگری متفاوت است: دسته‌ای از این روایات، بعضی از اصحاب را به بعض دیگر ارجاع می‌دهد (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۴۲) دسته‌ای دیگر بر واجب بودن مراجعه به راویان دلالت می‌کند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۴۳) دسته سوّمی تشویق به نوشتن و رساندن آن به دیگران می‌کند (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۸۱) دسته چهارمی در مذمت دروغ بستن به امامان است (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۲۴۹) دسته پنجمی در بیان مرجحاتی است که در مورد تعارض ادله وارد شده است (حر عاملی، بی‌تا، ج ۲۷، ص ۱۰۶)؛ حال اگر خبر واحد حجت نبود دیگر جایی برای ارجاع اصحاب به یکدیگر، تشویق به نوشتن، نگرانی از دروغ بستن، فرض تعارض و ذکر مرجحات وجود نداشت.

بنابراین همه این روایات در قدر متیقن (دلالت اخص) که عبارت از خبر فقیه ثقه امامی باشد اشتراک دارند؛ به نظر می‌رسد همین تعریف منظور آخوند خراسانی بوده است.<sup>۱</sup> (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲)

برخی از محققان هم به گونه‌ای از تواتر اجمالی سخن گفته‌اند که مشخص نیست کدام تعریف مورد نظر آنان بوده است بخشی از مطالب آنان به یک تعریف و بخشی به تعریف دیگری اشاره دارد. (ر.ک: مکارم شیرازی، بی‌تا، ج ۱، ص ۱۷۴؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۵، ج ۶، ص ۳۳۹).

### ۳-۲-۳. شرایط تحقق تواتر اجمالی

تمام شرائطی که پیش از این از آن‌ها با عنوان شرائط تحقق تواتر و شرائط حصول علم از تواتر نام بردیم، در تواتر اجمالی نیز معتبر است.

---

۱. «إلا إنه يشكل الإستدلال بها على حجیة أخبار الأحاد بإنها أخبار أحاد، فإنها غير متفقّة علی لفظ و لا علی معنی فتكون متواترة لفظاً أو معنی؛ و لکنه مندفع بإنها و إنّ كانت كذلك إلا إنها متواترة إجمالاً ضرورة إنه يعلم إجمالاً بصدور بعضها منهم و قضیته و إنّ كان حجیة خبر دلّ علی حجیة أخصها مضموناً إلا إنه يتعدى عنه فیما إذا كان بينها ما كان بهذه الخصوصية و قد دلّ علی حجیة ما كان أعم، فافهم» (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲)



### ۳-۳-۳. بررسی و نقد تواتر اجمالی

۱) اگر منظور از تواتر اجمالی اشتراک و اتفاق نظر خبرها در دلالت تضمینی یا التزامی است (تعریف اول)، این سوال پیش می‌آید که چه تفاوتی با تواتر معنوی دارد؟ تفاوت تواتر معنوی با تواتر لفظی در همین نکته نهفته است که در تواتر لفظی، روایات در مدلول مطابقی اشتراک دارند و در تواتر معنوی در مدلول تضمینی یا التزامی اشتراک دارند؛ مانند این که اگر تعداد زیادی از افراد ادعای دیدن هلال اول ماه را داشته باشند اما در زمان دیدن آن با هم اختلاف داشته باشند از آنجا که این افراد در بخشی از مدعای خود (دیدن ماه) با هم دلالت توافق دارند اگرچه در بخش دیگر آن (زمان دیدن) با هم اختلاف نظر دارند تواتر معنوی محقق شده است. یا اگر در دلالت تضمینی هم اتفاق نداشته باشند اما در دلالت التزامی با هم اشتراک نظر داشته باشند باز هم تواتر معنوی محقق شده است مانند خبرهای زیادی که درباره حضور حضرت امیر (ع) در جنگ‌ها گزارش شده است که این گزارش‌ها نه در دلالت مطابقی و نه در دلالت تضمینی با هم هماهنگی ندارند (گزارش‌ها درباره حادثه‌های جداگانه است)؛ اما در دلالت التزامی یعنی شجاعت آن حضرت با هم اشتراک دارند. بنابراین اشتراک خبرهای متعدد در بخشی از دلالت یا در قدر متیقن (قدر مشترک) از شرایط تحقق تواتر معنوی است.<sup>۱</sup>

به نظر می‌رسد آن دسته از عالمان دانش مصطلح الحدیث که از تواتر اجمالی نام نبرده‌اند<sup>۲</sup> یا آن دسته از آنان و نیز اصولیانی که تواتر را منحصر در تواتر لفظی و معنوی دانسته و بازگشت تواتر اجمالی را به تواتر معنوی می‌دانند (مدیر شانه چی، ۱۳۸۴، ص ۳۷) و در نتیجه وجود تواتر اجمالی را انکار کرده‌اند، به این تعریف از تواتر اجمالی نظر داشته‌اند. مرحوم نائینی،<sup>۳</sup> (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۱۳) علامه طباطبایی (طباطبائی، بی‌تا، ج ۲، ص ۲۳۷) و برخی دیگر از اصولیان (جزایری، ۱۴۱۵، ج ۶، ص ۴۹۷ و ج ۴، ص ۴۲۴) از این جمله‌اند.

۲) اگر تعریف دوم را برای تواتر اجمالی در نظر بگیریم یعنی علم اجمالی به درستی و صدور یک روایت از مجموعه‌ای از روایات که با هم در هیچیک از انواع دلالات سه‌گانه اشتراک ندارند،<sup>۴</sup> مانند این که اجمالاً می‌دانیم همه روایات کتابی مانند

رتال جامع علوم انسانی

۱. یادکرد این نکته ضروری است که در صورتی دلالت تضمینی یا التزامی مفید خواهد بود که مفاد هر خبر، مفاد و مدلول خبر دیگر را نفی نکند؛

برای نمونه اگر گروهی مدعی دیدن ماه شوند اما در برخی او صاف با هم اختلاف داشته باشند به عنوان نمونه عده‌ای ادعا کنند هلال رو به بالا بوده و عده‌ای دیگر آن را رو به پایین توصیف کنند، نمی‌توان گفت آنان در دلالت تضمینی (دیدن ماه) با هم اتفاق نظر دارند!

۲. در نگاشته‌های درایه الحدیثی پیشین اثری از تواتر اجمالی نیست و برخی از درایه نگاران معاصر هم چون سید حسن صدر، عبدالهادی الفضلی و ... تواتر را منحصر در تواتر لفظی و معنوی دانسته‌اند. (صدر، بی‌تا، ج ۱، ص ۹۷؛ ر.ک: فضلی، بی‌تا، ص ۷۱)

۳. «لا یخفی أن الأخبار إذا بلغت من الكثرة ما بلغت فإن كان بينها جامع یكون الكل متفقاً علی نقله فهو راجع إلى التواتر المعنوی وإلا فلا وجه لحصول القطع بصدق واحد منها بعد جواز كذب كل واحد منها فی حد نفسه و عدم إرتباط بعضه ببعض فالحق هو إنحصار التواتر فی القسمین الأولین لا غیر».

۴. امکان دارد که در لوازم بعیده که از آن‌ها به «لازم غیر بین» یا «بین به معنی الأعم» تعبیر می‌شود، اشتراک داشته باشند مانند این که همه این گزارش‌ها، مربوط به احکام شرعی هستند و یا ... اما روشن است که اشتراک در این لوازم به معنای اشتراک در دلالت التزامی نیست زیرا آن‌گاه دلالت التزامی محقق خواهد شد که لازم آن «بین بمعنی الأخص» باشد. (ر.ک: مظفر، ۱۳۸۸، ص ۴۰)

و سائل الشیعه یا یکی از ابواب آن نمی‌تواند دروغ باشد، دست کم برای ما علم حاصل می‌شود که یک یا چند روایت آن از امام صادر شده است - این تعریف دارای چهار ایراد و اشکال است:

الف) این که از فراوانی مجموعه‌ای از روایات که هیچ‌گونه اشتراکی با هم ندارد، علم به صدور یک روایت از معصوم حاصل شود جای تردید جدی دارد زیرا اگر به هر یک از احادیث به تنهایی نظر بیندازیم، امکان درستی و دروغ در هر یک از آن روایات وجود دارد بویژه با توجه به این که این روایات هیچ ارتباطی به هم ندارند؛ (نائینی، ۱۳۵۲، ج ۲، ص ۱۱۳) هر چند بعید است همه آن روایات دروغ باشد اما این احتمال مادام که به حد قطع یا دست کم اطمینان نرسد فائده‌ای ندارد.

در پاسخ به این ایراد گفته شده است: احتمال وارد شدن صدق و کذب در هر روایت به تنهایی، هیچ تعارض و منافاتی با علم اجمالی به صادر شدن بعضی یا یکی از آن احادیث ندارد و گرنه باید تواتر لفظی و معنوی را هم منکر شد چرا که اگر مناط و ملاک را توجه به هر روایت بطور مستقل بدانیم، امکان صدق و کذب در آن هم راه می‌یابد به این معنا که در مورد این دو قسم از تواتر هم یقین به صادر شدن تک تک احادیث وجود ندارد و امکان صدق و کذب هر یک از آن‌ها مطرح است. (ر.ک: جواهری، ۱۴۲۸، ج ۲، ص ۱۷۹؛ واعظ الحسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۳؛ هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۹، ج ۳، ص ۱۸۵؛ روحانی، ۱۴۱۲، ج ۳، ص ۱۵۵)

اما روشن است که مقایسه تواتر اجمالی با تواتر لفظی و معنوی به هیچ وجه درست نیست زیرا درست است که در تواتر لفظی و معنوی نیز امکان صدق و کذب هر روایت به تنهایی وجود دارد اما از آنجا که در یکی از انواع دلالت‌های سه‌گانه با هم اشتراک دارند، فراوانی این روایات‌ها موجب تقویت آن وجه اشتراک می‌شود اما در این تعریف از تواتر اجمالی، هر چند روایت‌ها متعدد هستند اما هیچ ارتباطی به هم ندارند و در نتیجه فراوانی آن‌ها هیچ‌گونه هم‌افزایی ایجاد نمی‌کند.

ب) بر فرض این که علم به صدور یک یا چند روایت از معصوم حاصل شود اما نمی‌توان بر آن عنوان تواتر نهاد؛ درست مانند این که از خبر واحد محفوف به قرینه ممکن است علم به درستی روایتی حاصل شود اما روشن است که نمی‌توان بر آن نام تواتر نهاد.

ج) اگر در اندک مواردی هم علم اجمالی به صدور یک روایت از معصوم حاصل شود در بیشتر موارد، از فراوانی روایاتی که هیچ وجه اشتراکی ندارند علم به صدور دست کم یک روایت پیدا نمی‌شود بلکه در بسیاری از موارد بویژه در مواردی که احتمال جعل و وضع می‌رود مانند روایات «من بلغ»، از صرف احتمال فراتر نمی‌رود.

د) بر فرض این که از میان ده‌ها، صدها و هزاران روایت، علم به صدور یک روایت از معصوم پیدا شود، علم اجمالی به صدور یک روایت که نه اصل آن مشخص است و نه محتوای آن تعیین شده و نه از میزان دلالت آن خیر داریم، چه اثری می‌تواند داشته باشد؟ اگر چه علم اجمالی موجب احتیاط می‌شود اما آن چه از سیره عقلا بدست می‌آید این است که برای وجوب احتیاط، اطمینان تفصیلی لازم است و اطمینان اجمالی کفایت نمی‌کند.<sup>۱</sup>

۱. مرحوم ایروانی در این زمینه می‌آوردند: «نعم بقی شیء و هو انه بعد حصول الاطمئنان بصدق واحد من الاخبار المائۃ العشوائیۃ فهل یکون هذا الاطمئنان حجة حتى یجب بسببه الاحتیاط او لا؟ و الجواب: ان مدرک حجة الاطمئنان هو السیرة العقلانیة، فان العقلاء جرت سیرتهم علی

۳) تعریف سوّم هم دارای ایراد است که برخی از آن‌ها عبارتند از:

الف) بر پایه این تعریف نیز تفاوت ماهوی بین تواتر اجمالی با تواتر معنوی وجود ندارد همان‌طور که در تواتر معنوی وجه اشتراکی بین روایت‌ها وجود دارد در این تعریف از تواتر اجمالی هم بین روایت‌های متعدد وجه اشتراک وجود دارد. البته قرار دادن عنوان جدید (تواتر اجمالی) برای این قسم که وجه اشتراک با گونه‌ای تحلیل از مجموع روایات برداشت می‌شود، ایرادی ندارد.

ب) از آن‌جا که در تواتر اجمالی (بر پایه تعریف سوّم) باید به مفاد اخص این روایات (به روایتی که واجد همه خصوصیات باشد) عمل کرد وجود یا عدم وجود تواتر چندان مفید فائده نیست چه این که نوعاً تردیدی در دلالت اخص وجود ندارد. در تمامی موارد ادعایی بر طبق توضیحاتی که داده شده است باید به قدر متیقن و قدر مشترک تمامی روایات عمل نمود که در تمام موارد، قدر متیقن از روایات به واسطه دلیل دیگری مانند سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوظ به قرائن و ... قابل اثبات است.

برای نمونه در بحث حجیت خبر واحد — که ظاهرترین و بارزترین مورد در تواتر اجمالی است — ادعای تواتر اجمالی شده است؛ (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲؛ عراقی، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۱۳۶؛ روحانی، ۱۴۱۳، ج ۴، ص ۲۹۴) قدر متیقن و قدر مشترک از تمام این روایات آن است که اگر خبر واحد را راوی شیعه فقیه عادل بدون واسطه نقل کند معتبر و حجت خواهد بود؛ (واعظ الحسینی، ۱۴۱۷، ج ۲، ص ۱۹۴) اما در مورد حجیت این خبر نیازی به تواتر اجمالی نداریم بلکه سیره عقلاء برای حجیت چنین خبری (با تمام شرایط) کفایت خواهد کرد (رک: خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۱) یا آن که به زعم برخی با وجود تواتر اجمالی باید احتیاط کرد که بدون وجود تواتر اجمالی هم، احتیاط کردن معلوم و روشن است و باز هم حاجتی به اثبات تواتر اجمالی نخواهد بود. (ایروانی، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۳۹)

یا در مورد قاعده «لا ضرر»<sup>۱</sup> هم ادعای تواتر اجمالی شده است. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۲، ص ۲۶۶؛ أنصاری، ۱۴۱۴، ص ۱۱۲؛ بجنوردی، بی تا، ج ۱، ص ۲۵۱؛ محقق داماد، ۱۴۰۶، ص ۱۳۶؛ ذهنی تهرانی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۱۵۷) و با تتبع در موارد عدیده اطمینان پیدا می‌شود که این حدیث شریف از پیامبر اکرم وارد شده است.<sup>۲</sup> بر فرض قبول تواتر اجمالی<sup>۳</sup> در این روایت باید به قدر متیقن از ضرر داشتن عمل گردد که قدر مشترک از ضرر داشتن جایی است که از نظر عقل و عرف برای تمام افراد

---

الاخذ بالاطمئنان و اذا رجعنا الى العقلاء فلا نجم بجریان سیرتهم علی الاخذ بالاطمئنان الاجمالی — ای الاطمئنان بصدور واحد غیر معین من الاخبار — بل القدر المتیقن جریان سیرتهم علی التمسک بالاطمئنان التفصیلی ای الاطمئنان بصدور خبر معین خاص؛ و معه فلا یكون التواتر الاجمالی مجدداً» (ایروانی، ۲۰۰۷، ج ۲، ص ۳۷)

۱. بر پایه داستان سمره بن جندب است که در ذیل آن، جمله «لا ضرر و لا ضرار» دیده می‌شود. (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۸۱؛ شیخ صدوق، ۱۴۰۴، ج ۳، ص ۱۰۳؛ شیخ طوسی، ۱۳۶۵، ج ۷، ص ۱۴۷)

۲. باید دانست روایات دیگری نیز از ائمه اطهار نقل شده‌اند که هرچند در آن‌ها جمله فوق‌الذکر نیامده است ولی روایت از نظر معنا و مدلول بر آن استوار است. (رک: کلینی، ۱۳۶۷، ج ۵، ص ۲۹۳)

۳. برخی تواتر این روایت را نپذیرفته‌اند (رک: هاشمی شاهرودی، ۱۴۱۷، ج ۵، ص ۴۳۷)

(ضرر نوعی) در احکام کلی و لزومیه،<sup>۱</sup> ضرر مورد نظر اثبات شده باشد. این مقدار از دلالت برای قاعده لا ضرر، نیازی به اثبات تواتر اجمالی ندارد بلکه سیره تمامی عقلاء بر آن است در جایی که ضرر نوعی از نظر عقل و عرف در احکام لزومیه برای تمام افراد وجود داشته باشد، قطعاً چنین ضرری را شارع جعل نکرده و راضی به آن نمی‌باشد.

یادکرد این نکته ضروری است که آخوند خراسانی مطلبی را در ادامه بحث تواتر اجمالی آورده است که نوعاً از آن غفلت شده است و جای بررسی دارد؛ وی می‌نویسد: مقتضای تواتر اجمالی، اعتبار روایتی است که از باقی احادیث در مضمون اخص باشد (روایت فقیه امامی ثقه بدون واسطه)؛ حال اگر خبر یا اخباری با این ویژگی و خصوصیت وجود داشته باشد که دلالت بر اعتبار خبر ثقه به طور مطلق کند، حجیت قول ثقه به طور مطلق، ثابت می‌گردد. (آخوند خراسانی، ۱۴۰۹، ج ۱، ص ۳۰۲) اما به گمان بسیاری از اصولیان چنین خبری وجود ندارد و تنها صرف فرض است: «ثم إنی لم أجد فیما رأیت من أخبار الثقات ما يدل علی حجیة ما هو أعم من ذلك فلا بد من التبع و التأمل» (حکیم، ۱۳۷۲، ج ۲، ص ۱۳۳ و نیز ر.ک: خمینی، ۱۴۱۵، ج ۱، ص ۳۱۱؛ ایروانی، ۱۳۷۰، ج ۲، ص ۷۷) بر فرض این که درباره حجیت خبر واحد چنین روایتی وجود داشته باشد منحصر به این بحث بوده و در سایر موارد چنین وضعیتی قابل تحقق نیست.

تواتر اجمالی ادعایی آخوند خراسانی درباره روایات مربوط به حجیت خبر واحد در نمودار زیر قابل تصویر است:

خبرهای متعدد درباره حجیت خبر واحد ← برداشت (اخص دلالت) قدر مشترک از این خبرها = حجیت خبری که واجد تمام خصوصیات باشد (خبر فقیه امامی عادل بدون واسطه) ← دلالت خبر فقیه امامی عادل بدون واسطه بر حجیت خبر ثقه مطلقاً (نتیجه تواتر اجمالی = حجیت خبر مطلقاً "خبر ثقه‌ی فاقد سایر خصوصیات")

ج) در بسیاری از مواردی که ادعای تواتر اجمالی شده است هر چند روایت‌های نسبتاً زیادی درباره آنها وجود دارد اما به دشواری به حدی می‌رسند که از کثرت آنها علم به صدور آنها حاصل شود بویژه در مواردی که داعی بر دروغ‌گویی وجود داشته است. طبق جستجو و استقراء صورت گرفته در مورد بیش از ۵۰ مطلب در احکام فقهی و قواعد اصولی تصریح به تواتر اجمالی شده است؛ برخی از مواردی که درباره آنها ادعای تواتر اجمالی شده عبارتند از: احادیث رؤیت هلال (ر.ک: خوئی، ۱۳۶۴، ج ۲، ص ۶۵؛ فیاض، ۱۴۱۹، ج ۱، ص ۴۲۴؛ جزایری، ۱۴۱۵، ج ۷، ص ۲۱۱)؛ روایات «من بلغ» (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۳، ص ۳۳۰)؛ روایات مربوط به ولایت فقیه (ر.ک: خمینی، ۱۳۸۵، ج ۲، ص ۱۰۴)؛ روایات بلوغ دختر در نه سال (ر.ک: سبحانی، ۱۴۱۸، ج ۱، ص ۸۰)؛ احادیث مشروعیت قرعه (بجنوردی، ۱۴۰۱، ج ۱، ص ۲۳۰)؛ روایات جواز تقلید (خوئی، ۱۴۱۰، ج ۱، ص ۶۹). حتی اگر در همه این موارد از نظر فراوانی روایات، ایرادی وجود نداشته باشد مشخص نیست بر پایه کدام تعریف، ادعای تواتر اجمالی شده است. همانطور که پیش از این گفته شد همه تعریف‌های تواتر اجمالی دارای ایراد است بویژه اینکه اگر در بحث حجیت خبر واحد بر پایه یک فرض (روایت دارای تمام خصوصیات "اخص دلالت"، دلالت بر حجیت خبر واحد به طور مطلق کند) می‌توان از تواتر اجمالی استفاده کرد، (همانطور که در نمودار فوق نشان داده شد)، هر چند این صرف فرض است و

۱. احکام لزومیه عبارت است از وجوب و حرمت و احکام ترخیصیه حکمی است که متضمن الزام و وجوب و حرمت نباشد. (ر.ک: واعظ الحسینی،

واقعیت خارجی ندارد، در سایر مواردی که ادعای تواتر اجمالی شده حتی قابل تصور هم نیست تا چه رسد به تحقق خارجی آن.

#### ۴. یافته های پژوهش

از سه تعریف ارائه شده برای تواتر اجمالی، تعریف سوم (اختلاف در لفظ و معنا و هماهنگی در قدر مشترک) بهتر از دیگر تعریف هاست. بنا بر این تواتر عبارت است از: روایات زیادی که در لفظ و معنی با هم اختلاف دارند و دلالت آن‌ها هم از جهت وسعت و ضیق متفاوت است اما علم اجمالی داریم که برخی از این الفاظ از معصوم صادر شده است. بر پایه این تعریف از تواتر اجمالی، خبرها در هیچ کدام از این دو قسم دلالت (تضمنی و التزامی) اشتراک ندارند هرچند در برخی لوازم دارای اشتراک هستند اما از آن‌جا که این لازم، جزو لوازم بعیده هستند به حد دلالت التزامی نمی‌رسد. آخوند خراسانی که خود مبتکر این اصطلاح است همین تعریف را قبول دارد با این قید که اگر روایتی که در دلالت از همه اخص است دلالت بر حجیت خبر واحد مطلقاً کند تبعاً می‌تواند دلیل بر حجیت خبر واحد قرار گیرد. البته این تعریف هم همچون دو تعریف پیش از آن، دارای اشکال است. بنابر تعریف اول، تفاوت آن با تواتر معنوی روشن نیست. بنابر تعریف دوم، برخی از ایرادهای آن عبارتند از: الف) علم به صدور یک روایت از معصوم جای تردید جدی دارد. ب) عنوان تواتر بر آن ابهام دارد. ج) علم اجمالی به صدور یک روایت که نه اصل آن مشخص است و نه محتوای آن تعیین شده و نه از میزان دلالت آن خبر داریم، چه اثری می‌تواند داشته باشد؟ برخی از اشکالات تعریف سوم عبارتند از: الف) تفاوت ماهوی بین تواتر اجمالی با تواتر معنوی وجود ندارد. ب) نوعاً تردیدی در دلالت اخص وجود ندارد. قدر متیقن و قدر مشترک به دلیل دیگری مانند سیره عقلاء، حدیث صحیح محفوظ به قرائن و ... قابل اثبات است.

نتیجه آن که به صرف اثبات تواتر اجمالی نمی‌توان به آن اکتفا نمود و لذا باید به دنبال دلیل دیگری برای اثبات قدر متیقن بود و وجود روایتی که دارای همه خصوصیات و اثبات قدر متیقن باشد (برای نمونه روایت فقیه امامی تقه بدون واسطه که دلالت بر اعتبار خبر تقه به طور مطلق کند) صرف فرض است.

## کتابنامه

۱. قرآن کریم.
۲. آخوند خراسانی، محمد کاظم، دررالفوائد فی الحاشیة علی الفرائد، اول، تهران، موسسه الطبع و النشر التابعه لوزاره الثقافه و الارشاد الاسلامی، ۱۴۱۰ ه ق.
۳. \_\_\_\_\_، کفایه الاصول، اول، قم، موسسه آل البيت، ۱۴۰۹ ه ق.
۴. آشتیانی، محمد حسن بن جعفر، بحرالفوائد فی شرح الفرائد، اول، قم، ذوی القربی، ۱۳۸۸ ه ش.
۵. آمدی، علی بن محمد، الإحكام فی اصول الأحكام، قاهره، مؤسسه الحلبي، ۲۰۰۸ م.
۶. ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی، نزهة النظر فی توضیح نخبة الفكر فی مصطلح أهل الأثر، تحقیق: نورالدین عتر، پاکستان، مکتبه البشری، ۱۴۳۲ ه ق.
۷. ابن صلاح شهرزوری، عثمان بن عبدالرحمن، علوم الحديث، تحقیق: نورالدین عتر، دمشق، دارالفکر، ۱۴۰۶ ه ق.
۸. ابن فارس، أبی الحسن أحمد، معجم مقائیس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، مکتب الاعلام الإسلامی، ۱۴۰۴ ه ق.
۹. ابن قتیبه، عبدالله بن مسلم، غریب الحديث، تحقیق: عبدالله الجبوری، اول، قم، دارالکتب العلمیة، ۱۴۰۸ ه ق.
۱۰. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، قم، نشر أدب الحوزة، ۱۴۰۵ ه ق.
۱۱. ابوزهو، محمد، الحديث و المحدثون او عناية الامة الإسلامیة بالسنة النبویة، اول، مصر، شرکه مساهمه مصریه، ۱۳۷۸ ه ق.
۱۲. أنصاری، مرتضی بن محمد أمين، رسائل فقهیة، اول، قم، مؤسسه الکلام، ۱۴۱۴ ه ق.
۱۳. \_\_\_\_\_، فرائد الاصول، اول، قم، معجم الفكر الإسلامی، ۱۴۱۹ ه ق.
۱۴. ایروانی، علی، نهایه النهایه فی شرح الکفایه، اول، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزة علمیه قم، ۱۳۷۰ ه ش.
۱۵. ایروانی، محمد باقر، الحلقة الثالثة فی اسلوبها الثاني، اول، تهران، قلم، ۲۰۰۷ م.
۱۶. بجنوردی، حسن، منتهی الاصول، دوّم، قم، کتابفروشی بصیرتی، بی تا.
۱۷. بجنوردی، سید محمد بن حسن موسوی، قواعد فقهیه، سوّم، تهران، مؤسسه عروج، ۱۴۰۱ ه ق.
۱۸. بحرانی، محمد صنقور علی، المعجم الاصولی، دوّم، منشورات نقش، ۱۴۲۶ ه ق.
۱۹. بحرانی، یوسف، الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة، اول، قم، موسسه النشر الإسلامی، بی تا.
۲۰. بخاری، أبی عبدالله محمد بن إسماعیل، صحیح البخاری، بیروت، دارالفکر، ۱۴۰۱ ه ق.
۲۱. بروجردی، سید علی، طرائف المقال فی معرفة طبقات الرجال، تحقیق: مهدی رجائی، اول، قم، مکتبه آیه الله العظمی المرعشی النجفی، ۱۴۱۰ ه ق.
۲۲. پاکتچی، احمد، دایرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، بنیاد دایرة المعارف، ۱۳۷۲ ه ش.
۲۳. تبریزی، جواد بن علی، تنقیح مبانی العروة (کتاب الطهارة)، اول، قم، دارالصدیقه الشهیده، ۱۴۲۶ ه ق.
۲۴. تهانوی، محمد علی، کشاف إصطلاحات الفنون، بیروت، مکتبه لبنان ناشرون، ۱۹۹۶ م.

۲۵. جلالی مازندرانی، محمود، المحصول فی علم الأصول، اول، قم، موسسه امام صادق، ۱۴۱۴ ه. ق.
۲۶. جمعی از محققان، فرهنگ‌نامه اصول فقه، اول، قم، پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی، بهار ۱۳۸۹ ه. ش.
۲۷. جواهری، محمدتقی، غایه المأمول، اول، قم، مجمع الفکر الإسلامی، ۱۴۲۸ ه. ق.
۲۸. جوهری، اسماعیل بن حماد، تاج اللغة و صحاح العربیه، تحقیق: أحمد عبدالغفور عطار، چهارم، بیروت، دارالعلم للملایین، ۱۴۰۷ ه. ق.
۲۹. حائری اصفهانی، محمدحسین بن عبدالرحیم، الفصول الغرویة فی الأصول الفقهیة، اول، قم، دار إحياء العلوم الإسلامیة، ۱۴۰۴ ه. ق.
۳۰. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة، تصحیح: عبدالرحیم ربانی شیرازی، بیروت، دار إحياء التراث العربی، بی تا.
۳۱. حسینی فیروزآبادی، مرتضی، عناية الأصول فی شرح کفایة الاصول، چهارم، قم، کتاب فروشی فیروزآبادی، ۱۴۰۰ ه. ق.
۳۲. حکیم، سید محسن، حقائق الاصول، قم، مکتبه بصیرتی، ۱۳۷۲ ه. ش.
۳۳. حلی، حسین، اصول الفقه، اول، قم، مکتبه الفقه و الاصول المختصه، ۱۴۳۲ ه. ق.
۳۴. خطیب بغدادی، أحمد بن علی، الکفایة فی علم الروایة، سوم، حیدرآباد دکن، مطبعة دائرة المعارف العثمانیة، ۱۳۹۰ ه. ق.
۳۵. خمینی، روح‌الله، أنوار الهدایة فی التعلیقة علی الکفایة، دوم، تهران، موسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۴۱۵ ه. ق.
۳۶. \_\_\_\_\_، الرسائل، تعلیقات: مجتبی طهرانی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۸۵ ه. ق.
۳۷. \_\_\_\_\_، المكاسب المحرمه، سوم، قم، موسسه اسماعیلیان، ۱۴۱۰ ه. ق.
۳۸. خوئی، سید أبو القاسم، التفتیح فی شرح العروة الوثقی، سوم، قم، دارالهادی، ۱۴۱۰ ه. ق.
۳۹. \_\_\_\_\_، المستند فی شرح العروة الوثقی، مقرر: مرتضی بروجردی، قم، لطفی، ۱۳۶۴ ه. ش.
۴۰. \_\_\_\_\_، مصباح الاصول، تقریر: محمدسرور واعظ الحسینی، پنجم، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۷ ه. ق.
۴۱. ذهنی تهرانی، سید محمدجواد، المباحث الاصولیة، اول، قم، ۱۳۷۱ ه. ش.
۴۲. راغب اصفهانی، أبی القاسم حسین بن محمد، مفردات غریب القرآن، دوم، دفتر نشر کتاب، ۱۴۰۴ ه. ق.
۴۳. رحمانی، محمد، بحث‌های مقارن در علم الحدیث (خبر متواتر)، فصلنامه علوم حدیث، دانشکده قرآن و حدیث، شماره ۵، پاییز ۱۳۷۶ ه. ق.
۴۴. روحانی، محمد، منتقى الاصول، اول، قم، دفتر آیت الله سید محمد حسینی روحانی، ۱۴۱۳ ه. ق.
۴۵. روحانی، محمدصادق، زیده الاصول، اول، قم، مدرسه الامام الصادق، ۱۴۱۲ ه. ق.
۴۶. زهیر، محمد ابوالنور، اصول الفقه، المکتبه الأزهریة للتراث، بی تا.
۴۷. سبحانی، جعفر، اصول الحدیث و أحكامه فی علم الدراية، قم، مؤسسه الإمام الصادق، ۱۴۱۴ ه. ق.
۴۸. \_\_\_\_\_، البلوغ حقیقته، علاماته و أحكامه، قم، مؤسسه الامام الصادق، ۱۴۱۸ ه. ق.
۴۹. \_\_\_\_\_، تهذیب الاصول، اول، قم، دارالفکر، ۱۳۸۲ ه. ش.

٥٠. سيّد مرتضى، على بن حسين، رسائل المرتضى، تحقيق: سيّد أحمد حسيني، قم، مطبعة الخيام، ١٤٠٥ هـ ق.
٥١. شهيد ثاني، زين الدين بن علي، الرعايه في علم الدرايه، تحقيق: عبدالحسين محمدعلي بقال، قم، مكتبه آيه الله المرعشي النجفي العامه، ١٤٠٨ هـ ق.
٥٢. شيخ بهايي، محمد بن حسين، الوجيزه في علم الدرايه، اول، قم، نشر بصيرتي، ١٣٩٠ هـ ق.
٥٣. شيخ صدوق، أبي جعفر محمد بن علي بن حسين بن بابويه قمي، من لا يحضره الفقيه، تصحيح و تعليق: علي أكبر غفاري، دوّم، منشورات جماعه المدرسين في الحوزه العلميه، ١٤٠٤ هـ ق.
٥٤. شيخ طوسي، أبي جعفر محمد بن حسن، تهذيب الأحكام، تحقيق و تعليق: سيّد حسن موسى خراسان، چهارم، تهران، دار الكتب الإسلاميه، ١٣٦٥ هـ ش.
٥٥. \_\_\_\_\_، الغيه، اول، قم، مؤسسه المعارف الإسلاميه، ١٤١١ هـ ق.
٥٦. شيخ مفيد، محمد بن محمد بن نعمان، أوائل المقالات، قم، المؤتمر العالمي لالفه الشيخ المفيد، ١٤١٣ هـ ق.
٥٧. صبحي صالح، علوم الحديث و مصطلحه عرض و دراسه، بيروت، دارالعلم للملايين، ١٣٩١ هـ ق.
٥٨. صدر، محمدباقر، دروس في علم الاصول، پنجم، قم، مؤسسه النشر الإسلاميه، ١٤١٨ هـ ق.
٥٩. صدر، سيّد حسن، نهايه الدرايه في شرح الرساله الموسومه بالوجيزه للبهائي، تحقيق: ماجد غرباوي، قم، نشر المشعر، بي تا.
٦٠. طباطبائي، سيّد محمدحسين، حاشيه كفايه الاصول، اول، قم، بنياد علمي و فكري علامه طباطبائي، بي تا.
٦١. طريحي فخرالدين، مجمع البحرين، تحقيق: سيّد أحمد حسيني، دوّم، مكتب النشر الثقافه الإسلاميه، ١٤٠٨ هـ ق.
٦٢. طوسي، نصيرالدين، أساس الإقتباس، تصحيح: محمدتقي مدرس رضوي، تهران، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ١٣٦٧ هـ ش.
٦٣. عاملي، حسن بن زين الدين، معالم الدين و ملاذ المجتهدين، نهم، قم، مؤسسه النشر الإسلاميه، بي تا.
٦٤. عتر، نورالدين، منهج النقد في علوم الحديث، بيروت، دارالفكر، ١٤١٨ هـ ق.
٦٥. عجاج خطيب، محمد، أصول الحديث علومه و مصطلحه، بيروت، دارالفكر، ١٤٠٩ هـ ق.
٦٦. \_\_\_\_\_، السنه قبل التدوين، دوّم، قاهره، مكتبه وهبه، ١٤٠٨ق-١٩٨٨م.
٦٧. عراقى، ضياء الدين، نهايه الأفكار، قم، مؤسسه النشر الإسلاميه، ١٣٦٢ هـ ش.
٦٨. علامه حلي، حسن بن يوسف، الجوهر النضيد في شرح منطق التجريد، مصحح: محسن بيدارفر، پنجم، قم، انتشارات بيدار، ١٣٧١ هـ ش.
٦٩. فاضل لنكراني، محمد، إيضاح الكفايه، پنجم، قم، نوح، ١٣٨٥ هـ ش.
٧٠. فضلي، عبدالهادي، اصول الحديث، بيروت، مؤسسه ام القرى للتحقيق و النشر، بي تا.
٧١. فياض، محمداسحاق، منهاج الصالحين، اول، قم، مكتب سماحه آيه الله العظمى الحاج الشيخ محمداسحاق الفياض، ١٤١٩ هـ ق.



۷۲. فوزی عبدالمطلب، رفعت، توثیق السنه، اول، مصر، مکتبه الخاتجی، ۱۴۰۰ق.
۷۳. قاسمی، جمال الدین محمد بن محمد، قواعد التحدیث من فنون مصطلح الحدیث، بیروت، دارالکتب النفائس، ۱۴۰۷ ه ق.
۷۴. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، تصحیح و تعلیق: علی أكبر غفاری، تهران، سوّم، دارالکتب الإسلامیة، ۱۳۶۷ ه ش.
۷۵. کورانی، علی، معجم أحادیث الإمام المهدي، قم، اول، مؤسسه المعارف الإسلامیة، ۱۴۱۱ ه ق.
۷۶. مامقانی، عبدالله، مقباس الهدایة فی علم الدراية، قم، انتشارات دلیل ما، ۱۳۸۵ ه ش.
۷۷. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار الجامعه لدرر أخبار الأئمة الأطهار، دوّم، بیروت، مؤسسه الوفاء (دار إحياء التراث العربی)، ۱۴۰۳ ه ق.
۷۸. محقق حلّی، جعفر بن حسن، معارج الاصول، تحقیق: محمدحسین رضوی، اول، قم، مؤسسه آل البيت لإحياء التراث، ۱۴۰۳ ه ق.
۷۹. محقق داماد، سیّد مصطفی، قواعد فقه، دوازدهم، تهران، مرکز نشر علوم اسلامی، ۱۴۰۶ ه ق.
۸۰. مدیر شانه چی، کاظم، درایه الحدیث، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۸۴ ه ش.
۸۱. مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، چهارم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، ۱۳۷۰ ه ش.
۸۲. \_\_\_\_\_، المنطق، پنجم، قم، مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۲۸ ه ق.
۸۳. مکارم شیرازی، ناصر، دائرة المعارف فقه مقارن، قم، مدرسه الإمام علی بن أبی طالب، بی تا.
۸۴. منتظری، حسینعلی، نهاية الاصول، اول، قم، انتشارات القدس، ۱۴۱۵ ه ق.
۸۵. مظفر، محمدرضا، المنطق، سوّم، نجف، مطبعة النعمان، ۱۳۸۸ ه ق.
۸۶. مهدوی راد، محمد علی، «مدخل پژوهشهای حدیثی»، دانشنامه جهان اسلام، زیر نظر غلامعلی حداد عادل، تهران، بنیاد دائره المعارف اسلامی.
۸۷. نائینی، محمدحسین، أجودالتقریرات، اول، قم، مطبعة العرفان، ۱۳۵۲ ه ش.
۸۸. نجفی، محمدحسن بن باقر، جواهرالکلام فی شرح شرائع الإسلام، تصحیح: عباس قوچانی، تهران، دارالکتب الإسلامیة، بی تا.
۸۹. واعظ الحسینی، محمدسرور، مصباح الاصول، پنجم، قم، مکتبه الداوری، ۱۴۱۷ ه ق.
۹۰. هاشمی شاهرودی، علی، دراسات فی علم الاصول، اول، قم، مؤسسه دائره المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت، ۱۴۱۹ ه ق.
۹۱. هاشمی شاهرودی، محمود، اضواء و آراء: تعلیقات علی کتابنا «بحوث فی علم الاصول»، قم، مؤسسه دائره المعارف الفقه الإسلامی، بی تا.
۹۲. \_\_\_\_\_، بحوث فی علم الاصول، سوّم، قم، مؤسسه دائره المعارف الفقه الإسلامی، ۱۴۱۷ ه ق.

**\*Sayed Abolghasem Hosseini zaydi (Assistant professor at Razavi University of Islamic Sciences)**

**\* Muhammad Ibrahim Roushan zamir (Assistant professor at Razavi University of Islamic Sciences)**

**Abstract:**

**An Analysis of the Brief Frequent Reported Narrations and Extent of its implication**

How to ensure the issuance of Hadiths from the Infallible (p.b.u.t) is the most important challenge that Hadith scholars faces. Frequency of reporting is one way that can ensure the issuance of Hadiths from Infallible (p.b.u.t). Although there are widespread arguments about it but we don't find a comprehensive definition about a newly appeared kind of it called "brief frequent reported narrations". Three definitions can be deduced from scholar's arguments: a) many hadiths don't agree on explicit meaning but on implicit one. b) Many Hadiths with different contents that are briefly known as uttered by the Infallible (p.b.u.t). Many Hadiths that are different from literal and meaning aspect but agree on implied meaning which is deduced from them. Some defects of these definitions are: a) lack of a clear distinction between the different kinds of frequent reported Hadiths. b) Uncertainty in the state of issuing of an unknown Hadith and some other ones.

**Keywords:** Frequency, Briefly frequent reported hadith, Common meaning, and principles of jurisprudence.

